

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم	تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

عیادت و عرض سلامی به محضر حضرت زهرا علیها السلام در بستر شهادت

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ آيَهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ»^۱ ماه جمادی‌الثانی امروز آغاز شد و در هفته‌ی پیش‌اروی ما روز سوم ماه جمادی‌الثانی قرار دارد که یکی از تاریخ‌های محتمل برای شهادت صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا صلوات الله علیها است. همان طور که قبلاً عرض شد احتمالات تاریخی متعددی برای شهادت حضرت زهرا علیها السلام نقل شده است؛ از چهل روز بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا هفتاد و پنج روز، نود و پنج روز (که همین سوم ماه جمادی‌الثانی است)، صد و سی و پنج روز و شش ماه، نقل‌های مختلفی است که مورخان و سیره‌نویسان شیعه و سنی برای شهادت مظلومانه‌ی بی‌بی دو عالم سیده‌ی نساء‌العالمین من الاولین و الاخرین نقل کرده‌اند. خدا توفیق داد به مناسبت‌های متعدد صحبت‌های زیادی داشتیم در رابطه با این گوهر یکدانه‌ی هستی، این راز سر به مهر دستگاه کبریایی، این عصمة‌الله‌الکبری، این سرّ اعظم دستگاه پروردگار، این حقیقتی که آفرینش ولایت مطلقه‌ی کلیه‌ی الهیه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام و نبوت و رسالت ختمیه‌ی خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم از رهگذر و به طفیل وجود این بانوی بزرگوار است. خدا توفیق داده مکرر صحبت‌هایی کردیم و در اختیار عزیزان هست.

۱. بحرانی، عوالم‌العلوم، ج ۱۱، ص ۱۱۴۶. عین عبارت را شیخ احمد همدانی از استادش ملا علی معصومی نقل کرده است؛ اما از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات ملائکه بر حضرت فاطمه علیها السلام با همین سیاق و این گونه نقل شده: **إِنَّ اللَّهَ قَدْ وَكَّلَ بِهَا رَعِيلاً مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَحْفَظُونَهَا... وَ هُمْ مَعَهَا فِي حَيَاتِهَا وَ عِنْدَ قَبْرِهَا وَ عِنْدَ مَوْتِهَا يُكْثِرُونَ الصَّلَاةَ عَلَيْهَا وَ عَلَى آيَهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا** (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۸؛ بحرانی، عوالم، ج ۱۱، ص ۱۱۳۴). در برخی روایات هم کنار نام حضرت فاطمه علیها السلام صلواتی با همین مضمون آمده است: **قَالَ اِبَاعِبْدَالله: ...كَانَتْ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ وَجْهًا كَأَنَّ وَجْهَهَا وَزْدَانِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا وَ عَلَى آيَهَا وَ بَعْلِهَا وَ وَلَدِهَا الطَّاهِرِينَ** (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۳۱).

به نظرم رسید با هم سلامی به محضر آن بزرگوار بدهیم، چون دیدید که هرچه تقلّا کردیم، هرچه از کشف عارفان و درک حکیمان بهره گرفتیم، هرچه از زبان متکلمان و محدّثان سخن گفتیم، در پایان راه جز اظهار عجز و جز احساس تحیر در برابر این شخصیت عظیم که امّابیه‌ها است کاری نتوانستیم بکنیم؛ شخصیت عظیمی که سرچشمه‌ی همه‌ی کمالات رسول‌الله ﷺ است؛ اگر همه‌ی کمالات دستگاه آفرینش در وجود خاتم النبیین ﷺ به اوج قلّه‌ی خودش رسید، سرچشمه‌ی همین کمالات وجود مقدّس صدّیقه‌ی کبری است که خود پیامبر ﷺ فرمودند: «فَاطِمَةُ أُمُّ آيِبِهَا، فِدَاها أَبَوِها، أَبَوِها فِدَاها»؛ پیامبر ﷺ اغراق نمی‌کند، وقتی می‌فرماید من فدای فاطمه، ببینید فاطمه کیست که خاتم النبیین ﷺ سزاوار و شایسته است که قربانی او شود! می‌ترسم وارد برخی از حوزه‌ها شوم؛ این سخن از منزلت و جایگاه ما خیلی فراتر است؛ ولی خاطرتان هست که در بحث قربانی گفتیم، نظام آفرینش نظام قربانی است، هر موجود مادونی در راه مافوق خودش قربان می‌شود و از این طریق به کمال می‌رسد. جماد، قربان گیاه می‌شود و گیاه می‌شود، گیاه قربان حیوان می‌شود و حیوان می‌شود، حیوان قربان انسان می‌شود و انسان می‌شود، انسان قربان انسان کامل می‌شود و انسان کامل می‌شود و انسان کامل یعنی ولیّ اعظم خدا قربان خدا می‌شود و آن وقت می‌شود آنچه که دیگر زبان یارای گفتن آن را ندارد.

من نمی‌دانم! اعظم انسان‌های کامل تاریخ، گل سرسبد آفرینش، وجود مقدّس خاتم النبیین ﷺ است؛ حال چگونه است که خاتم النبیین ﷺ در رابطه با فاطمه علیها السلام می‌گوید: «فِدَاها أَبَوِها»؟^۲ یعنی خاتم النبیین ﷺ فدای او بشود! یعنی قربان شدن خاتم النبیین ﷺ در راه فاطمه علیها السلام مایه‌ی کمال و تعالی خاتم النبیین ﷺ است! خدایا فاطمه علیها السلام کیست؟! ما نمی‌دانیم. نمی‌دانیم لیلۃ‌القدر هستی است؟! سرّ اعظم خداوند است!

۲. شیخ صدوق، امالی، ص ۲۳۵.

به هر حال هرچه گفته‌اند و گفته‌ایم، هرچه یافته‌اند و یافته‌ایم، هرچه اندیشیده‌اند و اندیشیده‌ایم، همه وقتی به حریم فاطمی علیها السلام می‌رسد، همه نقش بر آب است. همه طفل ابجدخوان این مدرسه‌اند. مگر امام صادق علیه السلام فرمودند: «**إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةٌ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا**»^۳: فاطمه‌ی زهرا فاطمه نامیده شد، چراکه راه معرفت فاطمه بر همه‌ی خلق بریده است؛ یعنی همه‌ی انبیاء، همه‌ی اولیاء، همه‌ی اوصیاء، همه‌ی عارفان، همه‌ی حکیمان و محدثان و متفکران.

این وادی حیرت است؛ لذا آن کسانی که در وادی محبت فاطمه‌ی زهرا صلوات الله علیها غرق شده‌اند پایان کارشان جنون است. وادی‌یی است که آنجا دیگر عقل رنگ می‌بازد. حیرت و جنون سرنوشت فاطمیون است. به هر حال به ذهنم آمد که امروز دیگر مطلبی نگویم، فقط چند جمله از زیارت‌نامه‌ی حضرت فاطمه صلوات الله علیها را با هم بخوانیم؛ سلامی بدهیم؛ برویم کنار بستر این دردانه‌ی هستی، به قصد عرض ادب و عرض محبت و ارادت، عیادت از این بانوی بزرگوار کنیم و در این جلسه در ابراز ارادت به محضر حضرت زهرا صلوات الله علیها به همین بسنده کنیم.

بنابراین همه قصد کنیم؛ آن کلبه‌ی گلین فاطمه‌ی زهرا و امیرالمؤمنین علیه السلام را، آن اتاق را در نظر بگیریم که حسنین و زینب علیهما السلام زانوی غم به بغل گرفته‌اند و شاهد این هستند که مادر هر روز مثل شمعی آب می‌شود و امیرالمؤمنین علیه السلام کوه غم بر قلبشان نازل شده؛ چرا که تنها حامی خودش، تنها مدافع خودش، تنها انیس و مونس خودش در این غربتکده‌ی عالم را، تنها کسی که دل به او می‌دهد و سخنش را می‌شنود، فاطمه علیها السلام را، دارد از دست می‌دهد! با همین حال و ان شاء الله با پای دل به خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا صلوات الله علیها برویم و سلامی به محضر آن بزرگوار عرض کنیم. در عباراتی که در زیارت‌نامه‌های حضرت زهرا صلوات الله علیها وارد شده، چند جمله در غالب زیارت‌ها تکرار شده که خدا می‌داند این جمله‌ها چیست و اشاره به چه عظمتی از مقام فاطمه‌ی زهرا صلوات الله علیها دارد.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۵.

عبارات زیارت این گونه شروع می شود و ما هم خطاب به فاطمه ی زهرا صلوات الله علیها عرض می کنیم:

«يَا مُنْتَحَنُ امْتَحَنِكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً»: ای بانوی امتحان داده ای که خدایی که تو را آفرید، پیش از آنکه تو را بیافریند، تو را آزمود. قبل از خلقتت در پیشگاه الهی امتحان دادی. «فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً» و خدای تو، تو را در مسیر آنچه که تو را با آن امتحان کرد ثابت قدم و صابر و شکیبا و صبور یافت.

«وَزَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا آتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ آتَى بِهِ وَصِيَّهُ عَلَيْهِ السَّلَام» یا فاطمه ی زهرا! ما ادعا نمی کنیم؛ یقین هم نداریم؛ مطمئن هم نیستیم؛ فقط گمان می بریم «وَزَعَمْنَا» این گونه می اندیشیم، می پنداریم که سر به ولایت تو سپرده ایم و محبت تو همه ی قلب ما را تسخیر کرده است؛ ما از دوستان شما هستیم؛ درست است همه با شما دشمنی کردند؛ همه به جای اینکه تسلیت رحلت رسول الله ﷺ را به شما بگویند با هیزم های آتشین به در خانه ی شما آمدند؛ به جای اینکه دسته گل و هدیه برای شما بیاورند، تازیانه آوردند و غلاف شمشیر؛ همه نامردی کردند؛ اما ما گمان می کنیم از دوستان شما ایم «وَزَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ» و گمان می کنیم از تصدیق کنندگانیم؛ از کسانی هستیم که مقام بلند شما را پذیرفتیم و تأیید و تصدیق کردیم و ایمان آوردیم «و صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا آتَانَا بِهِ أَبُوكَ وَ آتَى بِهِ وَصِيَّهُ» و این گونه می پنداریم که ما برخلاف مردم سست عهد و پیمان شکنی هستیم که هفتاد روز قبل از این واقعه، در غدیر خم به امر رسول الله ﷺ دست بیعت در دست امیرالمؤمنین (علیه السلام) نهادند، همان مردم ناجوانمردی که «بَخَّ بَخٌّ لَكَ يَا عَلِيُّ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ»^۴ سردادند، اما هفتاد روز بعد، این گونه کودتای عظیم و خونینی را برپا کردند؛ این قدر سست عهد! این قدر پیمان شکن! این قدر ناپایدار در راه آنچه به آن اقرار کرده بودند! اما ما گمان می کنیم که صابریم؛ ما ثابت قدمیم در راه آنچه پدر تو پیامبر ﷺ برای ما آورد. قرآن کریم فرمود:

۴. مجلسی، بحار، ج ۲۱، ص ۳۸۸.

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ؟!»^۵ فرمود پیامبر اکرم نیست، مگر پیامبری که پیش از او هم پیامبرانی بودند و از دنیا رفتند، شما مسلمان‌ها می‌خواهید بعد از اینکه رسول‌الله از این دنیا رفت، یا به شهادت رسید (که خود این عبارات هم خدا می‌داند قرآن چه اشاراتی می‌کند «أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ» این اشاره است به اینکه رسول‌الله ﷺ را شهید کردند! پیامبر ﷺ به مرگ در اثر بیماری یا کهنوت سن از دنیا نرفتند. بارها با مدارک و مستندات اینجا اثبات کردم که پیامبر ﷺ را نمایندگان اولی و دومی که در خانه‌ی رسول‌الله ﷺ بودند، سم دادند و به شهادت رساندند. «أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ» خدا که می‌داند اگر قرار است پیامبر به مرگ طبیعی بمیرد، دیگر «أَوْ قُتِلَ» یعنی چه؟! یعنی دارد می‌گوید موتی است که در باطنش قتل است؛ پیامبر را به شهادت رساندند.) فرمود بینم شما مسلمان‌ها اگر پیامبر به مرگ طبیعی بمیرد یا کشته شود و به شهادت برسد، «انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ؟!» می‌خواهید عقب‌گرد کنید؟ راه پیامبر را ترک کنید و به آیین و شیوه‌ی جاهلیت خودتان برگردید؟!

قرآن این پیش‌بینی را سال‌ها قبل کرده بود و دیدیم که همین گونه شد. چگونه اکثریتی تشکیل دادند برای تضييع ولايت اميرالمؤمنين (عليه السلام)! چگونه جماعتی تشکیل دادند برای به آتش کشیدن خانه‌ی وحی! اما ما گمان می‌کنیم که جزو آن پیمان‌شکنان و سست‌عهدان نیستیم. «صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا آتَانَا بِهِ أَبُوكَ» ما گمان می‌کنیم صابر و ثابت قدمیم در راه آنچه که پدر تو، ای فاطمه‌ی زهرا برای ما آورد «وَأَتَى بِهِ وَصِيَّهُ» و ما گمان می‌کنیم که ثابت‌قدمیم در راه آنچه امیرالمؤمنین، امام‌المتقین (عليه السلام) برای ما آورد. ما سست‌عهد نیستیم، به عنوان دوستان شما به عیادت شما آمده‌ایم. «وَزَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا آتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَتَى بِهِ وَصِيَّهُ عَلَيْهِ السَّلَام»

حالا آمدیم خدمتتان، اما می‌دانید گدا سلامش، سلام بی‌طمع نیست. همه‌ی وجود ما فقیر شما اهل بیت (عليه السلام) است. خلقت ما به دست شما صورت گرفت؛ خود شما فرمودید: «نَحْنُ صَانِعُ رَبَّنَا وَ الْخَلْقُ

۵. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۴۴.

بَعْدُ صَائِعُنَا»^۶ ما ساخته‌ی خداییم و همه‌ی خلق ساخته‌ی ما. پس ما همه‌ی وجودمان را به شما فقیریم؛ همه‌ی هستی‌مان را به شما بدهکاریم؛ فقیر جز ابراز فقر و نداری هیچ ندارد؛ ما هم آمده‌ایم در خانه‌ی شما یا فاطمه‌ی زهرا! می‌دانیم رنجورید؛ می‌دانیم بیمارید؛ اما می‌دانیم این خانه‌ای است که نه یتیم را ردّ کرد؛ نه مسکین را؛ نه اسیر را؛ «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا»^۷ لذا ما هم با دست نیاز آمده‌ایم کنار بستر شما یا فاطمه‌ی زهرا!

«فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقَّتْ بِتَصَدِّقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوِلَايَتِكَ» ما از شما درخواست می‌کنیم که همین نیم‌چه ابراز ارادت ما را بپذیرید؛ می‌دانیم ما هم مردانه به میدان ولایت نیامدیم؛ می‌دانیم که دنیا ما را فریفت؛ می‌دانیم که خیلی جاها از آنچه حقّ بود کوتاه آمدیم؛ اما همین نیم‌چه عرض ارادت ما و راه ولایت سپردن ما را اگر می‌پذیرید، «إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ» اگر این تصدیق ما نسبت به خود را پذیرا هستید، اگر قبول دارید که ما جزو دوستان و اهل ولایت شما هستیم، آرزو داریم که «إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقَّتْ بِتَصَدِّقِنَا لَهُمَا» از رهگذر تصدیق به امیرالمؤمنین علیه السلام و خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم ما را به خودت یا فاطمه‌ی زهرا واصل کنی؛ ما را به خودت ملحق کنی، «لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا» چراکه تنها راهی که ما برای طهارت جان و روح داریم، تنها راهی که می‌توانیم از کدورت‌های عالم کثرت، از کدورت‌های گناه و معصیت، از کدورت‌های غفلت، تنها راهی که از کدورت دنیا نجات پیدا کنیم، این است که به ولایت شما ملحق شویم. این امید را داریم و از شما درخواست می‌کنیم که «لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا» از رهگذر لطف شما به خودمان بشارت بدهیم. شادمان باشیم که «بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوِلَايَتِكَ» با ولایت شما تطهیر شدیم. شما نه تنها طاهرید، که مطهّرید. در بحث عطش عاشورا عرض کردیم که آب، تنزیل ولایت در این عالم است و خدا آب را نه تنها طاهر قرار داد، طهور قرار داد. آب را نه تنها پاک قرار داد، پاک‌کننده قرار داد. چیزهایی که آلوده و متنجّس‌اند با ملحق شدن به آب تطهیر

۶. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

۷. سوره‌ی انسان، آیه‌ی ۸.

می‌شوند. آب، تنزیل ولایت است در این عالم. آن حقیقت ولایت چیست؟! هر موجود آلوده‌ای به آن ملحق شود، تطهیر می‌شود. آنها اقیانوس بی‌کرانه‌اند و هر نجسی در اقیانوس بی‌کرانه بیفتد، آن اقیانوس که نجس نمی‌شود! بلکه آن آلوده آلودگی‌هایش را از دست می‌دهد و پاک می‌شود. یا فاطمه‌ی زهرا! می‌دانیم آلوده‌ایم؛ می‌دانیم غرق گناهیم؛ می‌دانیم که نه خُلق خوشی داریم؛ نه عمل صالحی، نه اندیشه‌ی پاک و نه دل پاک؛ اما تمام آرزویمان این است که به شما ملحق شویم؛ چون می‌دانیم با ملحق شدن به شما آن حقیقت طهارت در جان ما محقق می‌شود.

اهل ذوق می‌گویند نمک از نظر عدد اجد صد و ده است و صد و ده هم می‌دانیم عدد امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. سگ وقتی در نم‌زار می‌افتد چهار صباح بعد، آن سگ که نجس العین است، پاک پاک می‌شود؛ می‌شود آن را خورد! می‌شود نمک! نمک طعام! با الحاق به ولایت همین اتفاق می‌افتد؛ هرچه هم ما پلید و نجس باشیم یا فاطمه‌ی زهرا! اگر توفیق الحاق به خودتان را بدهید، تردید نمی‌ماند و غرق بشارت و شادمانی خواهیم شد از این مژده که همه‌ی آلودگی‌های ما برطرف خواهد شد و به طهارت دست خواهیم یافت. «لِنُبَشِّرْ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ».

عبارات زیارت طولانی است، اجازه دهید همین جمله‌ی نخستین را به عنوان عرض سلامی به محضر حضرت با چند جمله از وسط این زیارت بخوانم و بدون شرح، این بخش صحبت و عرایض را تمام کنم. می‌دانید که سلام به فاطمه‌ی زهرا (علیه السلام) سلام به عصاره‌ی همه‌ی خوبی‌هاست. سلام به فاطمه‌ی زهرا (علیه السلام) سلام به نبوت ختمیه‌ی رسول‌الله (صلی الله علیه و آله و سلم) است؛ به ولایت مطلقه‌ی کلیه‌ی الهیه‌ی امیرالمؤمنین (علیه السلام) است؛ سلام به همه‌ی ائمه‌ی طاهرين (علیهم السلام) از نسل فاطمه‌ی زهرا صلوات‌الله‌علیها است. و یادتان هست که چند جلسه‌ی قبل عرض کردم، خود سلام فاطمه (علیه السلام) است. مگر امام صادق (علیه السلام) نفرمودند: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، اللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ وَ الْقَدْرُ اللَّهُ»^۸ بعد در پایان همین روایت به

این حقیقت اشاره کردند؛ اگر اللیله فاطمه، در آخر سوره‌ی قدر چه می‌گوییم؟ «سلام هی»^۹ این لیلۀ سلام است؛ یعنی فاطمه علیها السلام سلام است؛ حقیقت سلام فاطمه علیها السلام است؛ بنابراین وقتی به همه‌ی انبیاء سلام می‌دهیم، می‌گوییم «السلام علی آدم صَفْوَةُ اللَّهِ الْإِسْلَامُ عَلَى نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ الْإِسْلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ الْإِسْلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ الْإِسْلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ الْإِسْلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ» یعنی داریم می‌گوییم هرچه همه‌ی انبیاء دارند از سلام دارند؛ از فاطمه علیها السلام دارند. بعد به امیرالمؤمنین علیه السلام سلام می‌دهیم؛ می‌گوییم یا امیرالمؤمنین علیه السلام شما هم هرچه دارید از فاطمه علیها السلام دارید. به تک‌تک ائمه علیهم السلام سلام می‌دهیم؛ سلام یعنی فاطمه علیها السلام. به همدیگر هم که سلام می‌دهیم داریم فاطمه علیها السلام را یاد می‌کنیم. ان‌شاءالله در آینه‌ی قلب همدیگر عکس فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را ببینیم و همدیگر را که می‌بینیم به هم سلام می‌گوییم. لذا این زیارت و غالب زیارت‌های فاطمه‌ی زهرا علیها السلام که متعدد هم نقل شده است با همین سلام‌ها شروع می‌شود؛ «السلامُ عَلَیْكَ یا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ الْإِسْلَامُ عَلَیْكَ یا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ».

یا فاطمه‌ی زهرا! اوّلی و دومی که با جسارت هرچه تمام‌تر بعد از آن جنایاتی که مرتکب شدند، وقتی که دیدند چه لکّه‌ی ننگی تا همیشه‌ی تاریخ به دامانشان ماند، آمدند یک طوری مسأله را راست و ریس کنند، آمدند و وقت عیادت از شما بگیرند؛ شما وقت ندادید؛ رفتند سراغ شوی بزرگوار شما امیرالمؤمنین علیه السلام، از آن بزرگوار با وقاحت اجازه خواستند؛ همان‌هایی که طناب به دست علی بستند و او را کشان کشان بردند، همان‌هایی که فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام را به شهادت رساندند؛ همان‌ها با وقاحت از حضرت خواستند که همسرش را راضی کند که برای عیادت بیایند؛ اما وقتی اوّلی و دومی آمدند وارد اتاق شدند، حضرت زهرا علیها السلام رویشان را از آنها برگرداندند و به آنها پشت کردند؛ اما امید ما این است که همین نیم‌چه ارادتی که داریم سبب شود فاطمه‌ی زهرا روی از ما برگرداند.

«السلامُ عَلَیْكَ یا بِنْتَ حَبِیبِ اللَّهِ الْإِسْلَامُ عَلَیْكَ یا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ الْإِسْلَامُ عَلَیْكَ یا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ الْإِسْلَامُ عَلَیْكَ یا بِنْتَ آمِنِ اللَّهِ الْإِسْلَامُ عَلَیْكَ یا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ الْإِسْلَامُ عَلَیْكَ یا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِیَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ مَلَائِكَتِهِ الْإِسْلَامُ

۹. سوره‌ی قدر، آیه‌ی ۵.

عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ
اللَّهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»

خوب جا ندارد که فاطمه‌ی زهرا صلوات‌الله‌علیها بعد از این سلام‌ها به ما بگوید من همین هستم که
شما می‌گویید، اگر من دختر افضل انبیاء هستم، اگر دختر امین الله و زوجه‌ی ولی الله هستم، پس چرا
با من این گونه کردند؟! حقّ این بود که با من این گونه کنند؟!

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّدِيقَةُ الشَّهِيدَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرُّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الرَّكِيَّةُ
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْخَوَاءُ الْإِنْسِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَغْصُومَةُ الْمَظْلُومَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَقْهُورَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ وَ
رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَ أَنَّ مَنْ سَرَّكَ
فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ ص وَ مَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ ص
وَ مَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ مَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ ص لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَ رُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ
جَنْبَيْهِ كَمَا قَالَ ص أَشْهَدُ اللَّهُ وَ رُسُلَهُ وَ مَلَائِكَتَهُ أَنَّ رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ مُتَبَرِّئٌ
مِمَّنْ تَبَرَّاتِ مِنْهُ مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتِ مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّيْتَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَ
حَسِيباً وَ جَازِئاً وَ مُثَبِّتاً»^{۱۰}

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ

ان شاء الله اگر خدا توفیق داد فرازهایی از همین زیارت را که امروز قسمت نبود برخی از نکته‌های
معرفتی آن را باز کنیم، زمانی برگردیم و به این عبارات توجه کنیم. بسیار عبارات حیرت‌انگیزی است؛
خصوصاً در صدر این زیارت «يَا مُمْتَحَنَةُ اِمْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ» یعنی چه؟ «فَوَجَدَكَ لِمَا

۱۰. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۰ و مجلسی، بحار، ج ۹۷، ص ۱۹۴.

اُمّتَحَنِكَ صَابِرَةً» خدا می‌داند این یعنی چه! ان شاءالله اگر خدا روزی کرد و توفیقی داد، در حدّ فهم

کودکانه‌ی خودمان از این معارف بلند ولایی توضیحاتی عرض خواهیم کرد.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ